

۱) اصل عملی به لحاظ دلیل حجیت به چند دسته تقسیم می‌شوند؟

۱) شرعی، استصحاب ۲) عقلی، تخییر ۳) شرعی و عقلی، برائت و احتیاط

۲) فرق اصل عملی (دلیل قهاری) و اماره (دلیل اجماعی) چیست؟

الف) اماره بیانگر حکم واقعی است اما اصل عملی فقط وظیفه مکلف را تعیین می‌کند و در مقام بیان حکم واقعی نیست.  
ب) اماره گاستف از واقع است بر خلاف اصل عملی.

ج) موضوع اصول عملیه «جهل و شک» است بر خلاف اماره. د) اصل عملی دلیل قهاری و اماره دلیل اجماعی است.

۳) چرا در علم اصول از اصالة الظواهر بحث نمی‌شود؟

چون اصالة الظواهر در سببات موضوعیه است لذا کار مقلد است نه مجتهد - بحث ما در اینجا در سببات حکمی است.  
پس (اصالة الظواهر از مسائل فقهی است نه اصولی)

۴) نظر مصنف در تعریف اصول علمیه؟

حالت سابقه دارد (استصحاب)

احتیاط امکان ندارد (تخییر)

داریم (احتیاط)

احتیاط امکان دارد؛ که حجیت عقلی و نقلی بر تکیه کند (برائت)

مکلف در انجام عملی شک می‌کند، اگر حالت سابقه ندارد

۵) منشأ شک در تکلیف چیست؟ فقدان نص - اجمال نص (شر - توترون) - تعارض نص (دلیل چوت و دهم حرمت) - اسباب امور خارجیه

✓ رفع حکم در سبب حکمی «به دست شارع» و در سبب موضوعیه «تفحص در امور خارجی» است.

۶) به نظر آخوند در سببات و حوییه و تحریمیه چه اصلی جاری می‌شود؟ اصل برائت.

به دو دلیل عقلی (قیع عقاب بلا بیان) و شرعی (آیات و روایات)

۷) دلائل مائنین به حجیت اصل برائت چیست؟

کتاب، روایات معتدیه، منبث رسولاً

اجماع (سبب اجماعی اجازیه صورت نقلیه و خبریه را ملاحظه کنید)  
مصنف، استدلال را قبول ندارد.

حدیث رفع، رُفِعَ تَسْعَةُ أَسْيَاءَ؛ رُفِعَ عَنْ أُمَّتِي ... مَا لَا يَعْلَمُونَ ...

حدیث کعبه، مَا حَجَّ اللَّهُ عَلَيْهِ عَنِ الْعِبَادِ فَهُوَ بِمَنْزِلَةِ مَنْزِلَةِ رَسُولِهِ ...

حدیث حلیت، كُلُّ شَيْءٍ لَكَ حَلَالٌ حَتَّى تَقُولَ أَنَّهُ حَرَامٌ بَيْنَهُ ... (مسند قبول کرده)

حدیث سعده، النَّاسُ فِي سَعَةِ مَا لَا يَعْلَمُونَ.

حدیث اطلاق، كُلُّ شَيْءٍ مُطْلَقٌ حَتَّى يَرِدَ فِيهِ النَّهْيُ.

عقل، قیع عقاب بلا بیان

ص ۱۸۲

۸) ادله تاملین به وجوب احتیاط در سبب حکم تحریمی چیست؟ (تاملین این قول اخباریون هستند)

کتاب } لا تغف ما لیس لک به علم  
 } ولا تلقوا بأیدیکم الی الثقلان  
 } ائتوا الله حق تقاته

تغ عند الشبهة  
 } است  
 } الوقت عند الشبهة غیر من الاقتحام فی العکله

عقل (که در صورت مطرح کرده اند) افعال امری ...

۹) حکم در سبب حکم تحریمی چیست؟ به نظر امرلیون (برائت) - به نظر اخباریون (احتیاط) - اصل سببی بر اصل نصیبه مقدم است، دلالت چیست؟ مصنف: (در رد) - شیخ هاشمی: (حکومت)

۱۰) ماعده تسماع در ادله سنن (اخبار من بلغ) چیست؟ با نظر مصنف؟  
 یکی از این اخبار، صحیح همام بن سالم است که امام صادق (ع) فرمودند: «مَنْ بَلَغَهُ عَنِ النَّبِيِّ (ص) شَيْءٌ مِنَ الشَّرَائِبِ فَعَمَلُهُ كَانَ أَحَبُّ ذَلِكَ لَهُ وَإِنْ كَانَ الرَّسُولُ (ص) لَمْ يَقُلْهُ»  
 مصنف میگوید، ثواب بر نفس عمل سترش برسد، نه بر عنوان احتیاط.

ص ۱۸۲

۱۱) در دوران امرین مخدورین (وجوب و حرمت) نظر اخوند چیست؟

هرگاه علم اجمالی به وجود تکلیف مثل دهن کافر راسته با اسم و تردد در وجوب و حرمت نظر مصنف این است که در مقام عمل: عقل حکم به تخیر دارد و شرع حکم به اباحت ظاهریه دارد. ← تخیر عقلی و اباحت شرعی.

۱۲) صورت‌های مختلف دوران بین مخدورین چیست؟ با نظر اخوند؟

① هر دو طرف (وجوب و حرمت) توصلی اند، یعنی احکام واجب و یا ترک حرام محتاج به تقدیرت نیست.  
 ② اجمالی دانیم که یکی از این دو تا تعبدی است. ③ قطعاً می دانیم یکی شان تعبدی است. ④ هر دو تا تعبدی اند.

مصنف: در سאלه دوران بین مخدورین فرقی نمی کند که طریق احتمال تعبدی باشد یا توصلی، هدف اصلی دوران بین اباحت و التخییر است، یعنی احراز تخیر عقلی در هر چهار صورت جاری است.  
 منتهی قول به برائت عقلی و شرعی و اباحت شرعییه صورت اول و دوم اقتضای دارد؛ نه سوم و چهارم.

۱۳) مجرای امساله الاحتیاط چیست؟ با سأل!

با علم به وجوب عقلی که تردد بین میانین [ظهور و بقا] مستند است  
 و ما بین اول و اکثر رابطی [مازاج جزئی یا اجزائی]  
 مستند است  
 که با علم به حرمت عقلی که تردد بین در عقل است  
 [شرب این طرف یا آن که مطمئن نمی شیم نفس است]

۱۴) شرط بقیه یا تن تکلیف در دوران بن مسابین چیست؟

① تکلیف به مورد ابتلا مکلف باشد. ② قانون ابتلاء به تکلیف و حکم شک در آن.

مفسر می گوید، اگر شک کردم (در دوران بن مسابین)، که آیا همه اطراف شهوه محل ابتلاء هست یا نه؟ اصل برائت جاری می شود. تسبیح اصراری معتقد است: اصل احتیاط جاری می شود.

۱۵) آیا شک در اقل و اکثر استقلالی، مورد محبت است؟ خیر، زیرا به شک در تکلیف برمی گردد. محبت ما شک در تکلیف است. نظر آخوند درباره حکم شک در اقل و اکثر ارتباطی چیست؟

یعنی عملاً باید احتیاط کرد و شرعاً جای برائت است. [دلیل مفسر برای برائت شرعی «رُفِعَ مَالًا لِقِلْمُونَ» است.]

۱۶) حکم علم اجالی به ثبوت تکلیف بن اقل و اکثر ارتباطی چیست؟ احتیاط. (مثل باز اجزی یا یا حزی)

۱۷) شرط اجزای اصالة الإحتیاط چیست؟

احتیاط بنیاد به نظام اختلال دارد کند - چرا که اختلال نظام منغوض شارع است. (این مسأله در معاملاً و عباداً دلسان است.)

۱۸) شرط اجزای اصالة البرائة چیست؟

در برائت عقلیه «فحص از بیان ویس از آن است» - در برائت شرعی «فحص از دلیل ویس از آن»

شرط اصالة التخصیر «فحص از مرجع ویس از آن» است.

۱۹) اگر قبل از فحص، برائت جاری کنیم و بعد متوجه سویم یا دستور مولی مخالف شده، حکم چیست؟

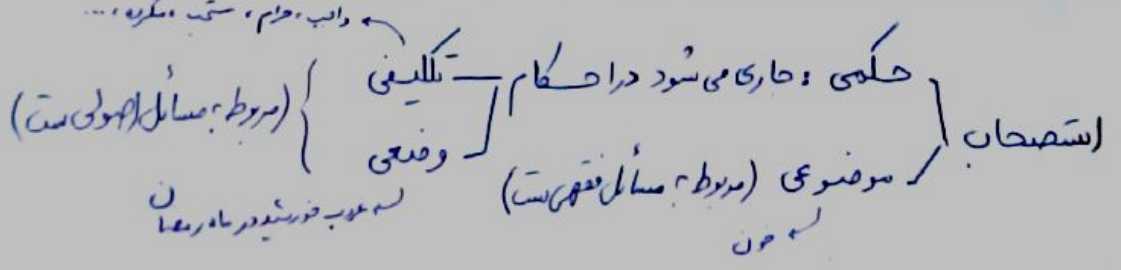
الف) در عبادات، مثلاً در نماز یا سوره یا ای سوره برائت جاری کرده، بعد که حکم سائل روشن شد باید اعادة کند.

ب) در معاملات، اگر شک در حلیت و حرمت یا وجوب کاری، قبل از فحص برائت جاری کرده، اگر عملاً مخالف کرده عملش باطل است.

۲۰) استصحاب چیست؟

در لغت، به معنای همراه گرفتن چیزی است. در اصطلاح، ابقاء ماکان است. (یعنی باقی دانستن حکم و یا موضوع یک حکم شرعی که مشکوک البقاء است.)

۲۱) اقسام استصحاب؟



۲۲) ارکان استصحاب چیست؟ ① یقین سابق به حدوث نشی مورد نظر (اعم از وجودی و تعبدی).  
② شک لاحق نسبت به بقای آن در گذشته ③ شک لاحق نسبت به بقای آن در حال ④ بقای موضوع  
تذکره: مصنف از «بقای موضوع» به حدوث عرفی قضیه متیقنه و مشکوکه تعبیر کرده.

← به نظر مصنف (آخوند)، استصحاب «مطلقاً حجت است» چه در احکامی که مستند به دلیل شرعی است چه مستند به حکم عقل

۲۳) اقسام احکام وضعی به نظر مصنف؟

- ۱- احکامی که قابل فعل تشریحی نیستند، نه استقلالاً و نه تبعاً: (مانند بالا آمدن فرسید برای وجوب نماز ظهر - که از حقایق ظاهری است)
- ۲- احکامی که فقط به تبع احکام تکلیفی قابل جعل هستند: (مانند ضربت برای واجب) → استصحاب فقط در قسم درم و قسم جاری است
- ۳- احکامی که هم مستقلاً می تواند جعل شوند و هم تبعاً. ولی صیوع این است که مستقلاً وضع شوند: (مثل حجت برای خبر نقلیه)

۲۵) شرائط و برهه یقین سابق و شک لاحق چیست؟

باید عقلی باشد، نه تقدیری (یعنی مکلف باید ملتفت باشد و بالفعل یقین داشته باشد به حدوث مستحب و شک در بقا).  
باید عقلی باشد، نه تقدیری (یعنی مکلف باید ملتفت باشد و بالفعل یقین داشته باشد به حدوث مستحب و شک در بقا).

۲۶) اقسام مستحب چیست؟ الف: فرد (خاص)، مانند وجوب نماز جمعه

ب: کلی (عام)، مثل حوازی که مشترک بین وجوب، ستم، اباحه و کراهت است.  
ج: مستحبی

۲۷) استصحاب کلی قسم اول چیست؟ شک در بقا، کلی ای که ناشی از احتمال ارتجاع فرد معین (که کلی مورد نظر در ضمن آن موجود است) می باشد. مثلاً، میبایم زید وارد خانه شد پس میبایم بگوئیم «کان الانسان فی الدار» یعنی کلی انسان در ضمن فرد رخا نه تحقق پیدا کرده، اما اکنون در بقای انسان شک می کنیم و نمی دانیم آیا زید در خانه هست یا خارج شده؛ در اینجا

در استصحاب جاری است، استصحاب فرد، بقای زید در خانه } در اینجا هر دو استصحاب جاری است، زیرا  
استصحاب کلی، بقای انسان در خانه } ارکان استصحاب در هر دو قسم وجود دارد.

۲۸) استصحاب کلی قسم درم چیست؟ شک در بقای کلی ای که ناشی از تردید در حدوث فردی است که نمی دانیم

طول العمر اما قصر العمر (معلوم البعاست یا معلوم الارتجاع)

مثلاً، استصحاب کلی حیوان ناشی از تردید در حدوث فردی که ما طول العمر است ← منیل  
قصر العمر است ← پشه

✓ در اینجا نسبت به کلی ارکان استصحاب تمام است و استصحاب جاری می شود ولی استصحاب فرد جاری نمی شود، زیرا

یقین به حدوث حیوان طول العمر نداریم

شک در بقا، کلی ناشی از این است که: فردی از آن حادث شده و سپس یقیناً مرتفع گردیده، اما بر اساس قرآنی احتمال می دهیم که همزمان با حدوث یا ارتفاع آن، فرد دیگری از کُلّی نیز حادث شده و کُلّی به اعتبار آن هنوز هم باقی است. پس شک در بقا در عدم بقای کُلّی ناشی از شک در حدوث و ارتفاع فرد جدید است.

مصنف می گوید، استصحاب کُلّی در اینجا جاری نمی شود زیرا با تحقق هر فردی کُلّی طبیعی مخصوص به خود متوجه می شود.

مثلاً، علی وارد خانه ای شد، بعد یقین داریم علی خارج شده اما شک داریم همزمان با خروج علی، حسن وارد خانه شده باشد؟

۳۰) امور قاره و غیر قاره چیست؟ و استصحاب در کدام یک جاری می شود؟

امور قاره یعنی اموری که احکام آن در زمان واحدی وجود دارد مانند «وجود فلان انسان در وقت - یا امور استبالی مثل زوجیت» و امور غیر قاره یعنی تدریجی: اموری اند که احکام آن به تدریج موجود و سپس زایل می شود - مانند سخن گفتن و حرکت. [جریان استصحاب در امور قاره می اشکال است؛ مثلاً به حیاه زید یا طهارت ابن مایع یقین داشتیم و حالا شک در بقا دان داریم.] البته مصنف معتقد است که استصحاب در هر دو مورد جاری می شود، هم قاره و هم غیر قاره.

۳۱) در چه صورت مستوفان نفس زمان را استصحاب کردیم؟ در صورتیکه دارای اثر شرعی باشد.

مثلاً در ماه مبارک رمضان، خوابی غروب تک کنیم که آیا روز باقی مانده یا مرتفع شده و غروب تحقق پیدا کرده، که روز استصحاب زیر آن عرف از روش را امری یکبارچیم می دانند.

۳۲) استصحاب: ← مغلی (مطلق)، حکم شرعی، که مشروط به شرطی نباشد، «الخصم حرام».

که تعلیقی (مشروط)، مثل «العیب إذا غلب الحرام» - حال اگر انگور تبدیل به کتخت شود ما از اطلاق دلیل انگور نتوانیم حکم کتخت را اثبات کنیم و در ضمن شک کردیم در اینجا استصحاب حکم مطلق یعنی حالت اکل جاری می شود و مخدوم نداریم؛ ولی آیا حکم تعلیقی انگور مستوفان در مورد کتخت استصحاب خوردن کتخت کردیم؟ (مصنف می گوید)؛ عموم ارائه استصحاب مفید جریان آن در حکم تعلیقی هست.

۳۳) به نظر مصنف حکم تعلیقی با استصحاب تجزیه تعارض ندارد؟ ← تعارض ندارد، زیرا حکم تعلیقی در طول حکم

تجزیه و مطلق است و لذا بین آن دو اصلاً تعارضی نیست، درست ما قله مطلق و مفید که نتیجه آن این است که

انگور قبل از جوشتن حلال و بعد از جوشتن حرام است. (لازمه تعلیقی «حرمت» و لازمه تعصیری «حلت» است.)

۳۴) اصل مثبت و مثبتات امارات چیست؟ اثرات عقلی آن که بر استصحاب جاری می‌شود را «اصل مثبت» می‌گویند که حجت ندارد. اما مثبتات امارات حجت است، دلیل حجت، ① امارات طریق الی الواقع است همانند قطع. ② هر چیزی که واقع راستان دهد کلیه لوازم آن را نیز نشان می‌دهد، یعنی اگر صیغه زید ثابت شد لوازم آن نیز ثابت است (مثل زوجهت یا نسیم امواتن جائز نیست و یا غیره).

ص ۲۹۷

۳۵) استصحاب در امور اعتقادی جاریست یا خیر؟  
 امور اعتقادی به دو بخش تقسیم می‌شود، به امری که مطلوب شارع، فقط التزام قلبی است و لازم نیست یقین به آن حاصل شود. مانند: روزه، نماز، هبای، عالم برزخ و معاد [در این مورد هم استصحاب موضوعی در علم حکم جاریست].  
 به مطلوب شارع که یقین و اعتقاد قلبی است، مانند: معرفت به معاد، نبوت، امامت. X  
 [در این قسم استصحاب موضوعی جاری نمی‌شود.]

← ملاک اتحاد قسّم متیقّن و مشکوک عرف است.  
 ۳۲) ورود در حکومت چیست؟

«ورود» عبارت از خروج حقیقی و جدایی فردی از موضوع دلیل، به موجب تعبد حکومت، عبارت از: خروج تعبدی فردی از موضوع دلیل.

ص ۳۰۳

← رابطه استصحاب بر اصول عملیه «وارد» است.

۳۷) اگر در استصحاب با هم تعارض داشت، حکم چیست؟

الف - در جایی که علم اجبالی به کذب یکی از آن دو نداریم «باب تراجم» جاری می‌شود.

ب - در جایی که علم اجبالی به کذب یکی از آنها داریم (مثلاً اجمالی را نیم حالت سابقه یکی از آن دو قطع دارد) در اینجا هر دو استصحاب باطل است.

۳۸) آیا در اطراف علم اجبالی، استصحاب جاری می‌شود؟ [جواب ابله، به شرط آن که مخالف عملیه نباشد]

اگر جریان اصول عملیه در اطراف علم اجبالی «مخالف عملیه» لازم نیاید، جریان آن مخدوری ندارد. مثلاً، درد و لباس

خس که علم اجبالی به طهارت یکی از آن دو داریم «استصحاب» ثابت جاریست «و باید از هر دو اجتناب کرد».

بدلیل: مقتضی (جریان استصحاب) موجود و مانع (مخالف عملیه) مفقود است.

✓ رابطه استصحاب با قواعد فقهیه (تجاوز، مزاح، امانت القمه) چیست؟ عموم خصوص مطلق است.  
 ✓ اگر بین استصحاب و قرع تعارض پیش بیاید کدام مقدم است؟ استصحاب مقدم است. (وارد است).  
 (نقص بودن اولی استصحاب است که ضعف اولی قرع چون زیاد قصص فرجه)

قاری عبارت است از تفسیر دو یا چند دلیل به حسب دلالت و مقام آیات (نه مقام ثبوت) در قالب تناقض و یا تضاد حقیقی یا مجازی. (قاری یعنی تزام آیری = تزامی که از طرف شارع باشد = قاری در مقام تشریح)

۴۰) حکومت چیست؟ نوعی رابطه بین دو دلیل که یکی از آن دو ناظر و شارح دلیل دیگر است (از آغاز و موضوع آن را از نظر کمی توسعه و تفسیق می دهد. مانند: «اکرم العلماء» و «الفاسق لسن بعالم».)  
(حکومت یعنی = خروج فرد از موضوع دلیل اعتدال)

✓ نام دیگر جمع عرفی «حکومت عرفی» است.

۴۱) رابطه اماره با اصل عملی عقلی چیست؟ ورود است - زیرا موضوع اصل عملی عدم الیه است و با آن اماره و جدلاً عدم البیان تبدیل به بیان می شود و موضوعش مرتفع می گردد. (لذا اماره بر اصل عملی عقلی «دارد» است)

۴۲) مَقَوَّمَاتِ دَلِیْلِیْ بَلْ دَلِیْلِیْ حَیْثُ؟ اِمَانَةُ السَّنَدِ - اِمَانَةُ الظُّهُورِ - اِمَانَةُ الْعَهْدِ.  
اگر نخواهد دلیلی حجت باشد باید این سه ویژگی را داشته باشد: ۱- از شارع صادر شده باشد. (امانه السند - امانه الصدور)  
۲- دلالت آن مُضَرَّز باشد. (امانه الظهور) . ۳- جهت صدور مشخص باشد - در مقام بیان تقدیم نباشد. (امانه الختم)

۴۳) منشأ تعارض ادله چیست؟ تعارض ادله از تعارض سند آنها ناشی می شود. ع. کمره ۲۱۲

۴۴) اخبار علاجیه چیست؟ ① اخبار تخییر (که مطلقاً دستور تخییر دادند چه در درون عینیت چه حضور) ② اخبار توقیف (که به طور مطلق دستور توقیف دادند)

③ اخباری که توسعه کردند به خبر موافق احتیاط، تسکین و دیگری را طرح کنند.  
④ روایات ترجیح که دستور دادند که طایفه خبر دارای مرتبه در جتان است. مُرْتَبَاتِ آن متفاوت است مانند (موافقت کتاب و مخالف ما عامه، عدل بودن راوی، امدن بودن، ائمه یا اوثق بودن، اوج بودن، و یا شهرت راوی)  
مصنف می گوید، اخبار تخییر مقدم است - اخبار ترجیح را قبل بر استجاب می کنیم و نیز صلاحیت تقیید ندارند.

۴۵) تخییر بدوی یا استمراری چیست؟

منظور از تخییر بدوی این است که مکلف در ابتدا در اخذ اُحْدِهِمَا مَحْضِرَاتِ ولی اگر یکی را انتخاب کرد، برای همیشه باید مطابق همان عمل کند و منظور از تخییر استمراری این است که مکلف برای همیشه در اخذ هر کدام که خواست آزاد و محضرات مصنف می گوید، تخییر در اینجا استمراری است.

✓ نظر آخوند، بین مرتجحات، ترتیبی

دلالی (سوار جمع غرضی): مانند رض یا اظلم بودن

نیست و همگی در عرض هم هستند.

سندی (سندوری): مانند اوتق بودن، اقمق بودن، اهدق بودن راوی

مضمونی، مانند موافقت کتاب.

جهتی و جهت صدور: مانند مخالفت عامه.

۴۲ ص ۴۵۲

۴۲ ص ۴۲۸

۴۷) به نظر مصنف، احکام اجتهاد مستحزی چیست؟ مصنف معتقد به امکان وقوعی آن است به در دلیل:

۱- نجات و جان ۲- حکم عقل ضروری.

ضمناً فتوای مجتهد مستحزی برای خودش حجت است. (برای عمل خویش حجت است) → به نظر مصنف رجوع به سؤال ۹۴

۴۸) منظور از تخطئه و تصویب چیست؟

«تخطئه» عبارت است از اینکه معتقد ممکن است در اجتهاد را سبباً حکم شرعی به خطا رود.

و «تصویب» یعنی مجتهد حسبه در سبباً خود واقع می‌شود. [این اعلان نظر در امور اعتباری مطرح است نه در امور عقلی خارجی]

✓ مقصای سبباً بالإجماع طرفدار تخطئه اند - اهل سنت طرفدار تصویب هستند.

۴۲ ص ۴۲۸

۴۹) ادله جواز تقلید چیست؟ - به نظر مصنف؟

رجوع جاهل به عالم (و غیر مشخص - مشخص) از قضایای بدیهی است و عقلاً به این حکم می‌کند. حکم عقل فطری است و نیازی به استدلال ندارد.

۵۰) ادله قائلین به جواز تقلید از غیر اعلم چیست؟

- ۱- اطلاق ادله جواز تقلید (آیات و اخبار مطلق اند)
- ۲- سیره مستمره مسلمانان بر رجوع به مجتهد، بر نخص از اعلی
- ۳- تقلید از اعلم، موجب عسر و حرج می‌شود.
- ۴- تخصیص اعلم دشوار است.

۵۱) ادله قائلین به وجوب تقلید از اعلم چیست؟

- ۱- اجماع فقهای آن
- ۲- اخباری که دلالت بر آن دارد، مانند مقبوله عمر بن حفصه (که در آن روایت راوی ائمه مقدم شده)
- ۳- چون شیخ و ذوق اعلم بیست است، لذا قول او - واقع نزدیک تر است.

۵۲) نظر مشهور در مصنف در حیات مجتهد و تقلید از او چیست؟ حیات مجتهد در تقلید از او چه ابتداء چه استمرار شرط است

دلیل مصنف، اصل اولی بر عدم جواز تقلید از غیر متی است. الا ما خرج بالدلیل (که تمام ادله موجود مربوط به تقلید از مجتهد زنده است)



۵۳) مرحوم آخوند از اشکال تعارض بین اخبار برائت و اخبار احتیاط چگونه پامغ می دهد؟

افضل بودن و اولی بودن  
اظم بودن و اولی بودن

در مقام تعارض اخبار احتیاط با اخبار برائت، به دو دلیل، اخبار برائت مقدم هستند. - در دلیل اول - اظم بودن و اولی بودن -  
الف - موضوع اخبار برائت، نسبت به موضوع اخبار احتیاط اخص است (زیرا - اعتقاد اصولیین - اخبار برائت اخص است نسبت به بقا الفحص و الباس دارند) در حالی که اخبار احتیاط مربوط به قبل از فحوص و باس است.

ب - دلالت اخبار برائت بر اباحه، نسبت به دلالت اخبار احتیاط بر وجوب احتیاط، اظهم است.

۵۴) در دران امر بین مخدورین چند نظر وجود دارد؟ مختار مصنف چیست؟

۱ - اصل برائت جاری می شود عقلاً و شرعاً، نسبت به هر دو طرف وجوب و حرمت.

۲ - مشهور: تقدم جانب حرمت.

۳ - تحبیر طاهری شرعی بین فعل و ترک.

۴ - تحبیر عقلی تگویی بین فعل و ترک. یعنی در مقام عمل، عقل می گوید که هر که آرای خواهی انتخاب کن.

شرعی

نظر مصنف - در مقام عمل: عقل حکم به تحبیر دارد؛ و از نظر شرعی: حکم مسئله اباحه ظاهره است. (تحبیر عقلی، اباحه ظاهره)

۵۵) اگر علم اجمالی داشتیم، فاست یکی از دو طرف «الف و ب». و لباس ما با طرف الف ملاقات کردیم نظر مصنف حکم چیست؟

در اینجا به حکم عقل باید از دو طرف اجتناب کرد اما اجتناب از لباس واجب نیست زیرا اجتناب از ملاقاتی، مقدمه علمیه برای امتثال خطاب «اجتناب عن النجس» نیست.

۵۶) کیفیت استدلال به حدیث «کل شیء لک حلال حتی تعرف انه حرام بعینه» را برای برائت در شبهه تحریم و نیز در

شبهه وجوب بررسی کنید؟ مرحوم آخوند می فرماید: قید «بعینه» معنای این است که هر چیزی بر تو حلال است

مگر آن که مشخصاً بدانی که آن شیء حرام است. (این حدیث هم مربوط به نهات تحریم است هم وجوبیه.)

مرحوم آخوند استدلال به حدیث حلیت را تمام می داند، برخلاف مرحوم شیخ.  
توبه با استدلال ۵۶

۵۷) اصل سبب چیست باسئال؟ آیا حجت است (به نظر آخوند) با دلیل؟

اثرات عقلی ای که بر استصحاب جاری می شود را «اصل سبب» گویند. مثلاً، کسی مورد اصابت گلوله واقع شده، ما می گوییم

آیا هنگام اصابت گلوله زنده بوده و او با اصابت گلوله کشته شده و یا قبل از اصابت گلوله مُرده؟ در اینجا نه توان حیات

او را تا هنگام خوردن استصحاب کردیم پس قتل او را که لازمه عقلی وجود حیات هنگام گلوله خوردن است اثبات نمود

و پس از آن آثار شرعی قتل (مثل قصاص و...) را در این واقع جاری ساخت.

مصنف اصل نسبت را حجت نمی داند؛ به دلیل اینکه: <sup>①</sup> در صورتی اخبار اصل مثبت را شامل می شود که در راه اطلاق باشد و حال **مصنف** <sup>②</sup> ظاهر اخبار بالاستصحاب اصل نسبت مخالف است و با خلاف آن مناسب دارد.   
 اینکه در لا تقصروا چنین قدرستی نیست.

مر ۴۴

۵۸) انقلاب نسبت چیست؟ آیا مرسوم آخوند آن را قبول دارد؟ با دلیل؟

کتاب در اینجاست که اگر همین از دو دلیل بایک دیگر بکارند (مثلاً سه دلیل)، اظهار در سیاستاً چگونه مشخص دادگی شود.   
 مثلاً یک دلیل عام داریم «اکرم العلماء» و در دلیل خاص داریم «لأنکم الفساق» و «لأنکم النحاة».   
 حالا آیا نسبت بین عام از یک طرف و خاص های متعده از طرف دیگر، به نسبت دیگری منقلب می شود یا نه؟   
 مصنف می گوید، تقدم عام از باب انقلاب نسبت نیست، بلکه به متراکفین به حساب می آید.

مر ۴۵

۵۹) کیفیت استدلال به روایت «کل شیء لکن ظاهر حتی تقلم أنة قدر» (براسته حساب بنویسید؟)

این اخبار دارای درجته است: صدحیت که در صد بیان حکم واقعی و واقعی طهارت است.   
 و غایت حدیث که با کلمه حتی شروع می شود در حسب ظاهر حدیث، قید حکم و طهارت واقعی است.   
 و معانی اینها که، این طهارت ادامه و استمرار دارد تا وقتی که یقین به نجاست پیدا نکنی.   
 یعنی حکم ظاهر، اشیاء عند الشک و الجهل، طهارت است مادام که یقین به نجاست نکنی و لذا چون غایت، دلالت بر استمرار تعبدی معیار   
 در زمان شک دارد، مجموع معیار غایت دلالت بر حکم واقعی طهارت داشته حساب آن می کند.

۶۰) به نظر مرسوم آخوند مراد از میا در حدیث رفع [رفع بالاعیان] چیست؟ میای موصوله - مراد حکم کلی و جزئی است.

۶۱) در حدیث «لا ضرر» نظر آخوند چیست؟ «ضرر» در مقابل منفعت است و رابطه شان ملکه و عدم ملکه است.   
 و ضرر از مصدر باب مفاعله است و به معنای تأکید در حدیث تکرار شده (یعنی آن تیرجای ضرر دارد).   
 دو احتمال دیگر برای معنای ضرر لغتاً آنکه آخوند قبول ندارد، ① به معنای پاداش برای ضرر. ② به معنای ضرر طرفین.

۶۲) به نظر مصنف اصل برائت جاری می شود در  $\leftarrow$  سبها و جوب و تحریم.

✓ سبها و جوب و تحریم + احکام تکلیفی + سبها و جوب  
 ✗ احکام وضعی + سبها و جوب  
 احکام تکلیفی (برائت در احکام وضعی جاری نمی شود)  
 سبها و جوب (وضعی) جاری نمی شود زیرا از نفس است و شارع است

۶۳) احکام وضعی چیست؟ هر حکم غیر تکلیفی خداوند (یعنی غیر از جوب، حرمت، سب، کراهت، اباحه) را گویند.

به قاعده فروع، مقدم بر استصحاب است.

۶۴) اشکالات وارده بر استدلال به آیه «وَمَا لَنَا مِنْ حَتَّى نُنْعِثَ رَسُولًا» چیست؟

- ۱- مقولوا از عذاب در اینجا، عذاب دشواری است، نه آخروی. زیرا فعل «لَنَا» ماضی است و در باره امت هالک نشده و همین دنیا است.
- ۲- نفی فعلی عذاب، اعم از استحقاق عقاب است، یعنی ممکن است عدم عذاب از باب سنت الهی باشد نه اینکه چنین فردی استحقاق عقاب ندارد.

۶۵) برای شک در اقل و اکثر ارتباطی سوال بپرسند؟ حکم آن به عقلاً احصای (مصنف)

مجتهد یقین دارد حکم و حجب به صلاة تعلق گرفته است، ولی نمی داند آیا متعلق آن وجوب نماز یا جزئی است (یعنی سوره خُزْد نماز است) یا نماز ۹ جزئی است (سوره خُزْد نماز است).

نظر مصنف: حکم برائت، در برائت شرعی جاری می شود، اما در عقلم جاری نمی شود. (عقلاً جای احصای است)

۶۶) یکی از شرایط استصحاب، فعلی یقین و شک است، این مطلب را همراه با مثال توضیح دهید؟

یقین و شک باید عقلی باشد نه تقدیری. یعنی مکلف باید بالفعل یقین به حدوث مستحب و شک در بقاء آن داشته باشد.

بنابراین اگر غافل بود استصحاب جاری نمی شود. زیرا استصحاب، وظیفه مکلفی است که شک در بقاء دارد، و آدم غافل شک در بقاء ندارد تا استصحاب جاری کند.

مثال: ساعت ۱۱ صبح یقین به حدوث بیدار کردن اما پس از آن غافل شد و با هم حال نماز ظهر فرواند، بعد از آن مادرش آمد ساعت هست، محدث بود و شک کرده که آیا پس از آن وضو گرفته یا نه، در این صورت استصحاب در این نماز جاری نمی شود، چون غافل بوده. اما برای نمازهای بعدی استصحاب عدم طهارت جاری می شود.

۶۷) آیا استصحاب از مسائل اصولی است؟ چرا؟

حتی از استصحاب در شعبه موضوعیه: از علم اصول خارج است و مربوط به فقه است و در علم اصول استطراداً مورد بحث واقع می شود.

که حکمیه: از مسائل اصولی است، قبل شک در حکم کلی الهی مانند استصحاب وجوب نماز جمعه.

زیرا ضابطه مسئله اصولی بر آن مطابق است.

ضابطه مسأله اصولی این است که، نتیجه آن در طریق استنباط حکم شرعی فرعی از کلی (مثلاً وجوب نماز جمعه) واقع شود.

اگر استصحاب و نفس بنای عقلاً بر بقاء حالت سابقه و باطن به بقاء بدانیم که قطعاً از مسائل اصولی است نه فقهری، زیرا بنای عقلاً، فعل مکلف نیست تا موضوع مسأله فقهی باشد.

تعارض یعنی ، تعارض در روایت در مقام تشریع که فعل شارع است؛ (تراحم امری = از طرف شارع)

تراحم یعنی ، تراحم در حکم برای مکلف ، در مقام امتثال؛ (تراحم مأموری = از طرف مکلف)

عامل تعارض عبارت است از سه تراحم ملاکات احکام است . (عارض در دلیل ، یکی سلاحت ، دیگری وجه)

عامل تراحم سه ربط عالم جعل و ملاکات احکام ندارد . (مثلا خواندن نماز و طهارت سمه)

۶۹ نظر مصنف درباره تعدی از مرتجات مضمون به غیر مضمون به همراه دلیل آن بنویسید؟

مصنف قائل به عدم تعدی به غیر مضمون است یعنی «ترتیب» در مرتجات ، جایگاه خاصی دارد .  
 زیرا ترجیح احدی واسطه وجود یکی از مرتجات ، تعدی صورت می گیرد .

نتیجه ، اگر رعایت ترتیب را لازم بدانیم ، چنانچه در «غیر مضمون» ، در ترجیح معقولات وجود داشته ، مرتجیحی که به لحاظ ترتیب مورد نظر مقدم است ، مرتجیح به حساب می آید و باید همان خبر احد نمود .

(سؤال این ملاحظه شود)

۷۰ تقلید چیست؟ یکی از ادله در صوب تقلید از اعلیٰ را توضیح دهید؟

«تقلید» در لغت یعنی «انداختن قلابه برگردن است» و در اصطلاح یعنی «قبول قول غیر بدو مطالبه دلیل» چرا که  
 تقلید آنچه را از قول غیر (چه حق چه باطل) معتقد است همچون ولاده برگون خود می اندازد  
 بنابراین این لفظ استعاره در تقلید جاهل از عالم به کار رفته است .

یکی از ادله ای که برای در صوب تقلید از اعلیٰ ذکر کرده اند این است که گفته اند «شیخ ردفت اعلیٰ بنسبت است لذا قول او به واقع نزدیک تر است»  
 مصنف ، اولاً قبول ندارد که همیشه قول اعلیٰ به واقع نزدیک تر باشد بلکه چه بسا قول غیر اعلیٰ به واقع نزدیک تر باشد ، مانند قول  
 غیر اعلیٰ این عصر ، یا قول اعلیٰ در عصر سابق .

ثانیاً ، معلوم نیست که ملاک حجت متدینان مجتهد «قول» واقع باشد یا اینکه قول اقرب به واقع مقدم باشد!  
 چه بسا قول فاضل و مفضل در ملاک حکم ، یکسان باشد .

۷۱ مرتجع چه بی چیست؟ یعنی مرتجیحی که یقین گسوده جهت صدور روایت است ، که آیا از روی تقیه صادر شده یا نه؟

مانند : مخالفت عامه .

← سنخ چیست؟ رفوع حکم ابا تا ، رفوع حکم ثبوتاً .

(۷۲) «الإجماع على البرائة موهون» یعنی چه و چرا؟

۱۵۵

۱۳

یعنی برای اثبات برائت، دلیل اجماع نیست است و کامل نیست. در اینجا مصنف می گوید، اجماع مقول تحت نیست حتی اگر فی الجمله هم مقید باشد عده زیادی با آن مخالفت کردند و همین محتمل المذکر است.

«محتمل المذکر» یعنی احتمال دارد از آیات و روایات مربوط به برائت و با قاعده عقلی قبح عقاب بلا نیاید استفاده کرده باشند که این قابل قبول نیست.

(۷۳) رابطه اصل موضوعی با اجرای اصله البرائة شرعی و عقلی توفیق دهید؟

۱۲۲

با اجرای اصل موضوعی (شیء) ، موضوع اصل مسیبی (شک و عدم بیان) رفع می شود، زیرا اصل موضوعی میان محسوس و مورد حال می گوئیم، شرط اجرای اصله البرائة شرعی یا عقلی که مک اصل حکم است، این است که در نتیجه مثل از آن، اصل موضوعی نباشد چرا که با اجرای اصل موضوعی نوبت به اجرای اصل حکم نمی رسد.

(۷۴) این که «دلیل حجت استصحاب» بر ادله سایر اصول عملیه «وارد است» را توفیق دهید؟

۲۹

دلیل حجت استصحاب، نسبت به اصول عملیه شرعی، مانند برائت شرعی «تقدماً و ورود است»، یعنی تقدماً موضوع آن را (که عدم العلم) است بر طرف می کند، و نسبت به اصول عملیه عقلیه، مانند برائت عقلیه «حقیقاً و وجداناً وارد است». تذکره، رابطه سایر اصول عملیه (برائت، احتیاط، تحسیر) بیان است و تعارضی بین آنها وجود ندارد.

(۷۵) قاعده فراغ و تجاوز چگونه بر استصحاب مقدم است؟

۲۱۲

ادله استصحاب، اعم از تجاوز و فراغ است، لذا اخص همیشه مقدم بر اعم است. اخص بودن ادله آنها معین حقیقاً یا مبدءاً حکماً.

(۷۶) مختار مرسوم آخوند را به حسب حکم عقل، در دوران بن اقل و اکثر ارتباطی را همراه با ۲ دلیل بنویسید؟

۲۰۳

استصحاب یعنی، ملاع یعنی معبره است این غرض مولی و امثال آن

① علم اجمالی به ثبوت تکلیف بین اقل و اکثر ارتباطی، موجب احتیاط است. استصحاب یعنی، فراغ ذمه می فرماید.

② وقتی مکلف علم پیدا کند که مولی به کفر از اقل یا اکثر امر کرده، باید غرض الزامی مولی تحصیل شود و چون با انجام اقل

یقین نمی کنیم که غرض مولی، ایان شده، پس باید اکثر را انجام بدهیم و این یعنی احتیاط.

(۷۷) در مورد شک در جزئیات و شرطیه شی در حال بیان حکم چیست؟

عقلاً باید احتیاط کرد و سریعاً برائت جاری کنیم

(۸۸) «امارات» بر استصحاب مقدم است، وجه آن را بنویسید؟ «درود» است (نظر آخوند)

(۸۹) از ادله برائت، حدیث حُجَب است، استدلال و اشکال آخوند را بنویسید؟

حدیث حُجَب، «ما حُجِبَ اللهُ عَنِ الْعِبَادِ فَهُوَ مُوَضَّعٌ عَنْهُمْ»

یعنی هر حکمی را که خداوند علم به آن را از بندگانش پنهان کرده است، آن چیز از بندگانش برداشته شده است.

تقریب استدلال، عبارت «حَتَّى تَعْرِفَ» قید مَوْضُوع است، مضمون حدیث یعنی «كُلُّ شَيْءٍ مُشْكُوكٍ الْجِلْدِ وَالْحَرَمِ حَلَالٌ»

این حدیث شامل شبهات حکمیه و موضوعیه است، همچنین شامل شبهات وجوبیه نیز هست.

اشکالی مرسوم آخوند وارد کردند و آن اینکه، این حدیث را در مصادر حق شبهات تحریمی نمی‌داند و محضون شبهات وجوبیه می‌داند.

(۹۰) در رابط با اضطرار نسبت به نفعی از اطران، نظر آخوند چیست؟

فرتی بین اضطرار به واحد معین و واحد غیر معین نیست و هر دو مانع از تکلیف است.

(۹۱) هنگام درگیری دلیل «لا ضرر» و دلیل «نفعی عسر» نظر آخوند چیست؟

جواب: اگر رابطه آن دو تعارض بود (مثلاً دلیلی می‌گوید نماز جمعه واجب و دلیلی می‌گوید نماز جمعه حرام است) در اینجا

روشن است که فقط یک دلیل می‌تواند صحیح باشد پس به باب تعارض مراجعه می‌کنیم.

اما اگر باب تراجم باب، مانع از تراجم را جاری می‌کنیم، یعنی تقدیم اعم بر مخصص.

(۹۲) در تعارض دو استصحاب باهم، با فرض علم با انتقاض حالت سابقه در احدها چه باید کرد؟ نظر آخوند؟

(انتقاض یعنی نقض حالت سابقه) - جواب: اگر آن دو در طول هم نگریاشند، به صورتی که یکی سببی و دیگری مسببی باشد، استصحاب سببی مقدم است - اگر در طول هم نباشند اگر با جریان اصول عملیه در اطران علم اجمالی،

مخالف عملیه لازم نیاید، اجزای اهل عملی در اینجا خالی از خود در، بلکه موافق احتیاط است. پس نتیجه بگیریم،

استصحاب جاری نمی‌شود - دلیل اینکه مانع وجود دارد

(۹۳) اگر مرتجع صدوره با مرتجع جهتی مزاحمت کند، نظر آخوند چیست؟ «تخصیر» را قبول دارد، نه تریح.

۹۴) احتیاط مطلق و احتیاط متجزی چیست؟

«احتیاط مطلق» عبارت است از ملکه استنباط احکام فعلی خود و معتقدین در تمام ارباب فقه.  
«احتیاط متجزی» عبارت است از ملکه استنباط احکام فعلی در بخشی از احکام فقه.

۳۴۹

۹۵) آیات تفاوت مجتهد متجزی ناذر بوده و تعلیه از او در مسئله ای که احتیاط نموده جائز است؟

نفوذ تفاوت او به مراتب مشکل تر از حجت فتوای او برای عوام و معتقدین است اما از این جهت که او به موارد ضروری دین و مذهب و موارد تواتر و اجماع در احکام، علم دارد و می توان او را عالم به احکام دانست، لذا تفاوت او نافذ است. (به عقیده مصنف فتوای او برای خودش فقط حجت است اما تفاوتش برای دیگران نافذ و معتبر است)

۱۵۷

۹۶) قائلین به وجوب احتیاط در سبب تحریم استدلال آیات ناهیه از قول به غیر علم کرده اند. پاسخ مرحوم آخوند از این استدلال چیست؟

جواب تقضی: عنین این استدلال در شبهات تحریم موضوعیه و شبهات حکمیه وجودیه نیز وجود دارد چرا در اینجا قائل به وجوب احتیاط نشده اید؟! (چرا عده ای از شما توقعی و عده ای احتیاطی شده اید؟)

جواب حلی: ما فتوی به برائت به غیر علم نمی دهیم. زیرا ما بر اساس دلالت آیات و روایات و اجماع و عقل «فتوی به برائت» دادیم و چنین فتوای فتوا به علم است: در این صورت نه القای در هلاکت است [لَا تَلْعَنُوا بَابِئِكُمْ إِلَی التَّوَلَّکِ] و نه خلاف فتوی است. [اَبْتَوَالِقَ حَقَّ تَعَاوَدَ] زیرا تَوَالِقَ یعنی انجام واجبات معلومه و ترک مقررات معلومه.

۳۷۷

۹۷) آیا با وجود اصل موضوعی در مورد سبب، می توان به اهل برائت تمسک نمود؟

در شبهات موضوعیه خطاب و بیان سارع موجود است و ما در آن شک نداریم، لذا اصل برائت جاری نمی شود، بلکه بخاطر وجود اشتغال یقینی باید برائت یقینی حاصل کرد و عمل به احتیاط نمود.

۳۷۷

۹۸) آیا به نظر آخوند، در رابطه با تجزیه علم اجمالی فرقی بین شبهه محصوره و غیر محصوره وجود دارد؟

فرقی بین محصوره بودن و نبودن اطراف شبهه در تجزیه علم اجمالی وجود ندارد بلکه ملاک آن این است که تکلیف از جمیع جهات فعلی باشد.

۹۹) آیا استصحاب در مورد شک در رافع حجت است یا در مورد شک در مقتضی هم حجت است؟ نظر آفرند؟

مثال شک در رافع، چراغ نفتی است، علم به وجود نفت در آن داریم اما نمی دانیم رافعی آمده (مثل مادر) و آن رافعی روشن کرده یا نه؟  
مثال شک در مقتضی، صبح چراغ نفتی مان روشن بود، الان که ظهر است شک می کنید آیا نفتش تمام شده یا نه؟

✓ استصحاب هم در مورد شک در رافع حجت است، هم در مورد شک در مقتضی (نظر مصنف)

[معنای نقص، ضد اتمام است - در اینجا نیز نقص، به معنای حقیقی خود کار رفتن، در اینصورت عموم نسبت منقول که منقول یقین امر تا بی باسد (مثل شک در رافع) و یا غیر آن (مثل شک در مقتضی)]

۲۴۲

۱۰) آیا در امور تدریجیه استصحاب جاری است؟

۲۴۱

امور تدریجی (یا غیر تدریجی) امور است که اجزای آن به تدریج موجود می شود و سپس زائل می شود، مانند حرکت و سخن گفتن.

به نظر مصنف در امور تدریجی نیز همانند امور دفعی (یا قاره) استصحاب جاری می شود. (مشکل اشکال ۳)

۱۱) کسانی که قائل به تعدد از مرتبجات منصرفه اند، برای مدعی خود چه استدلالی کرده اند؟

۲۴۰

استدلال به اخبار و نیز اخباری در اخبار ترجیح وجود دارند، که موجب اقربیت خبر به واقع و باطن تعلی نیستند.

مانند ادعای بودن راوی که اگر به معنای ادعای بودن در مقام عمل در شمار و مهارت در فروعات فقهی باشد، ارتباط با صحت ندارد.

۱۲) اگر رأی و نظر مجتهد معتدل سُورِد، نسبت به اعمال سابقه تکلیف چیست؟ آیا محکوم به صحت است یا ساقط؟

✓ نسبت به اعمال آینده اش، اگر فتوای جدیدی دارد آن فتوی برایش حجت است و اگر نه باید اصراف کند تا به فتوای پیشین برسد.

✓ نسبت به اعمال سابقه اش (یعنی اعمالی که با فتوای قبلی صورت گرفته) در اینجا باید مقتضای قاعده اولیه (حکم عقل) در قاعده ثانویه (ادله خاصه) را بررسی کرد:

اعمالش صحیح است

بالمقتضای قاعده اولیه، اعمال سابقه اش باطل است، مگر آنکه دلیل خاصی بر صحتش وجود داشته باشد، که حسن دلیل

موجود است (حدیث لا تقاد - حدیث رفع - اجماع منقول بر صحت آنهاست که مکلف در وقوع خلل معذور بوده.)

و در صورتی که اگر گفتیم فتوای منتهی مطلقاً برای مقلد اماره است، در اینصورت مستند معتقد در همه احکام، اماره بوده و عدم الاجزاء است.

✓ اصل مثبت حجت نسبت به دلیل ۱ - ظاهر اخبار ۲ - عدم اطلاق اخبار





امتحانات عمومی پایان سال سطح ۳ و ۲  
سال تحصیلی ۹۲ - ۹۱  
حوزه علمیه خراسان

تاریخ امتحان: ۹۲/۰۳/۱۰		زمان: ۹۰ دقیقه
ساعت: ۱۸ - ۱۹/۳۰		
موضوع: کفایه ب ۳		
نتیجه	به عدد	به حروف
رصدگی محدد	به عدد	به حروف

« جوانها فقط در پاسخنامه »

سؤالات چهار گزینه‌ای

(بارم ۵/۰ - نمره)

۱. چرا از «اصالة الطهارة» به عنوان اصول عملیه در علم اصول بحث نمی‌شود؟

- الف) چون مختص به باب طهارت است
- ب) چون مورد کلام و نزاع نیست
- ج) چون مختص به شبهه موضوعیه است
- د) گزینه الف و ب
۲. «لو شك فی وجوب شیء او حرمة لتعارض النصوص مع فقد الرجح بناءً علی التخییر كما هو المشهور» گزینه صحیح کدام است؟
- الف) فلامحال لاصالة الرائة لوحد الحجة المعتبرة
- ب) فتحرى الرائة عن الوجوب او الحرمة المتكوكين
- ج) فیلزم الاحتیاط لوحد الحجة فی المقام
- د) فیؤخذ باستصحاب الحالة السابقة
۳. «دفع الضرر المتیقن غیر العقوبة..... و دفع الضرر المحتمل غیر العقوبة.....»
- الف) لیس بواجب عقلاً و لا شرعاً - لیس بواجب عقلاً و لا شرعاً
- ب) لیس بواجب عقلاً فقط - لیس بواجب شرعاً فقط
- ج) لیس بواجب شرعاً فقط - لیس بواجب عقلاً فقط
- د) واجب عقلاً و لا شرعاً - لیس بواجب عقلاً و شرعاً
۴. در دوران امر بین وجوب و حرمت در غیر شبهه موضوعیه، نظر مرحوم آخوند(ره) کدام گزینه است؟
- الف) تخییر عقلی و اباحه شرعی
- ب) برائت عقلی و نقلی
- ج) اخذ به جانب وجوب و حرمت
- د) اخذ به جانب حرمت تعییناً
۵. با توجه به متن کفایه، نظر مرحوم آخوند(ره) در مورد اضطراب به ارتکاب یکی از اطراف علم اجمالی، کدام گزینه است؟
- الف) احتیاط واجب است
- ب) احتیاط واجب نیست
- ج) تخییر است
- د) استصحاب است
۶. «حيث كان الملاک فی قاعدة المیسور هو صدق المیسور علی الباقي عرفاً فالقاعدة.....»
- الف) تحری مع تعذر الجزء فی الحملة دون تعذر الشرط
- ب) تحری مع تعذر الشرط دون تعذر الجزء
- ج) تجری مطلقاً ای فی کلنا صورتین
- د) لا تجری مطلقاً
۷. به نظر مرحوم آخوند(ره)، ظاهر از کلمه «لا» در «لا ضرر...» کدام گزینه صحیح است؟
- الف) لنفی الحكم الضرری
- ب) لنفی الضرر غیر المتدارک
- ج) للنهی عن الاضرار بالعبیر
- د) لنفی الحقيقة ادعاءً بلحاظ الحكم
۸. به نظر مرحوم آخوند(ره)، استصحاب در کدام گزینه حجیت دارد؟
- الف) الزاع دون المقتضى
- ب) الموضوعات دون الاحکام
- ج) الزاع و المقتضى كليهما
- د) الاحکام دون الموضوعات

سؤالات عبارتی

(بارم ۲ - نمره)

۱. « و اما الفعل المقيد بالزمان فتارة يكون الشك فی حكمه من جهة الشك فی بقاء قيده و طوراً مع القطع بانقطاعه و انتفائه من جهة اخرى ... فان كان من جهة الشك فی بقاء القيد فلا بأس باستصحاب قيده من الزمان ... كما لا بأس باستصحاب نفس المقيد»
- الف) اقسام شك در این عبارت را بیان کنید.
- ب) فرق بین استصحاب قيد و استصحاب مقيد را توضیح دهید.
۲. «التعارض هو تنافی الدليلین او الادلة بحسب الدلالة و مقام الاتبات علی وجه التناقض او التضاد حقيقة او عرضاً بان علم بکذب احدهما اجمالاً مع عدم امتناع اجتماعهما اصلاً و عليه فلا تعارض بينهما بمجرد تنافی مدلولهما»
- الف) دو قسم تنافی به حسب دلالت را توضیح دهید.
- ب) برای تضاد حقیقی و عرضی مثال بزنید.
۳. «الاول انه انما تجرى اصالة البرائة شرعاً و عقلاً فيما لم يكن هناك اصل موضوعی مطلقاً و لو كان موافقاً لها فانه معه لا مجال لها اصلاً لوروده عليها» الف) برای هر یک از اصل موضوعی موافق و مخالف با اصالت البرائة مثال ذکر کنید.
- ب) وجه ورود اصل موضوعی بر اصالت البرائة را بنویسید.
۴. «انه كما لا اشکال فيما اذا كان المتيقن حکماً فعلياً مطلقاً لا ينبغي الاشکال فيما اذا كان مشروطاً معلقاً فلو شك فی مورد لأجل طرو بعض الحالات عليه فی بقاء احكامه ، فكما صح استصحاب احكامه المطلقة صح استصحاب احكامه المعلقة»
- الف) عبارت را توضیح دهید.
- ب) این عبارت کدام قسم از استصحاب را بیان می‌کند؟ مثال بزنید.

سؤالات تشریحی (فقط به چهار سؤال پاسخ دهید)

(بارم ۲ - نمره)

۱. به نظر مرحوم آخوند(ره)، آیا برائت شرعیه در اطراف علم اجمالی در دوران بین متباین جاری می‌شود یا خیر؟ چرا؟
۲. علت عدم تنجر علم اجمالی در شبهه تحریمی‌ای که برخی از اطراف آن از محل ابتلاء خارج است را توضیح دهید.
۳. به نظر مرحوم آخوند(ره)، آیا بین شبهه محصوره و غیر محصوره از جهت لزوم احتیاط فرقی موجود است یا خیر؟ توضیح دهید.
۴. در مسأله اقل و اکثر ارتباطی، نسبت به وجوب اکثر، چرا برائت عقلیه جاری نیست ولی برائت شرعیه جاری است؟ توضیح دهید.
۵. وجه دلالت حدیث: «کل شیء طاهر هل یعلم انه قدر» بر استصحاب را توضیح دهید.

موفق باشید  
۱۲ - ۱۴

۱. محتوایی که ملاحظه می فرمائید حاصل تلاش شبانه روزی دو نفر از طلاب (در طی سالها گذشته) بوده که شاید به خرات بتوان گفت کاملترین نسخه سؤال و جوابهای درسی می باشد (در حال حاضر).

۲. قطعا توصیه نمی شود که فقط به این نسخه تکیه شود و توجه به متن کتاب درسی هم لازم است، هر چند نبره او آری که همراهِ به سؤالات و جوابهای این جزوه، تسلط داشته، در امتحانات نمره قبولی کسب نموده اند.

۳. این فایل را نگین بوده و هرگونه کپی برداری از آن مجاز و مورد رضایت است.

۴. هرگونه استفاده مالی از این محتوی شرعا حرام می باشد (به هیچ وجه مورد رضایت نیست) مگر آنکه تمام سود حاصله صرف خرید هدایای مذهبی و دینی [یا در یکدیگر انقلابی] باشد و تقسیم به مخاطبین در محافل گردد.

**چند توصیه و درود طلبه ای:**

✓ سعی کنیم کاری که انجام می دهیم دارای فایده باشد لذا اگر مشغول به کاری هستیم که بین شرع و عقلاء خودی ندارد مثل مرد آن را رها نمایم. **موضوع ۶**

✓ سعی کنیم (سعی) آنچه می گوئیم را خود عمل نمایم. **صفحه ۲**

✓ برای تفسیر خلاصه قرآن و سیره عملی اهل بیت (علیهم السلام) در اعمال و رفتار ما **انقلاب ۱۳۶۱** بطور جدی برنامه ریزی داشته باشیم.

✓ قدردان زحمات علماء و مجاهدت های شهدای بسیاری در طول تاریخ باشیم و به جای خودخواهی، تسلی، بی نظیر...

✓ قدردان نظام و انقلاب اسلام باشیم، از فرصت پیش آمده جهت هر چه بهتر زمینه سازی ظهور بجهت بردار نمایم.

**بقره ۲۴۶-۲۴۹** توصیه جماعه، تضعیف جنایه، تکمیل رساله

که قطعا خلاها، ضعفها و نقائش وجود دارد، اگر گرای خوش و نامحسوس اهم می باشد نبوده اند.

اما تضعیف نظام و انقلاب جنایه / آنچه رسالت منور شماست تکمیل این زمینه سازی است تا او بیاید...  
✓ در پیش (تمیز، مرتب و معطر) باشیم و بر نماز اول وقت اصرار داشته باشیم.

✓ درباره مردم زود رضارت نموده و در هر زمینه ای با اسباب و وسوسه رمانمایم **سفر ۳**  
مست کندگی دل  
ما زوری عا  
ان سادا